

معادله قدرت، نقشه راه آینده ایران در تعاملات هسته‌ای

در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی آنگاه که یکی از ناوهای متجاوز امریکایی برای حمایت از رژیم بعشی حاکم بر عراق وارد خلیج فارس شده بود، هنگامی که مسئولین وقت کشور برای کسب تکلیف در مورد نوع واکنش به این حضور متجاوزانه، خدمت امام خمینی(ره) رسیده بودند، حضرت امام فرموده بودند اگر من جای شما بودم وقتی که سر و کله اولین ناو امریکایی در آب‌های خلیج فارس ظاهر شد همان وقت آن را با موشک می‌زدم تا ناوهای بعدی جرئت نکنند بعد از این وارد خلیج فارس شوند(نقل به مضمون).

به این توصیه حضرت امام اگر چه در آن مقطع عمل نشد و ما هزینه‌های بیشتری را برای حمایت با متجاوزان امریکایی در منطقه پرداختیم، اما در فرازهای بعدی حر کت انقلاب اسلامی، نظیر زدن پهلپاد متجاوز امریکایی یا توقیف کشتنی انگلیسی آنگاه که به این توصیه عمل کردیم، موفق بودیم.اما نتایجی که به ظرفیت‌های خود باور نداشتیم و آنگونه که باید با متجاوزان به حقوق مردم ایران مقابله نکردیم، مشکلاتمان بیشتر شد.

آنچه که این روزها در مقایسه با دو ماجرای کشتنی یونانی و روند مذاکرات هسته‌ای آشکار شده، نمونه‌ای از آن حوادث تاریخی است. در ماجرای کشتنی یونانی، پس از توقیف کشتنی ایران توسط یونانی‌ها والیت‌ها با دست‌سور کاخ سفید، به آن توصیه عمل و به ازای توقیف غیر قانونی کشتنی نفت ایران توسط یونان، دو کشتنی یونانی توقیف شد و در مدت کوتاهی یونانی‌ها عقب نشسته و دادگاهی دیگر در یونان حکم دادگاه قبلی را نقض کرد و بی پایه بودن حکم اول را اثبات کرد؛ اما در ماجرای مذاکرات هسته‌ای و سوء استفاده غربی‌ها برای فشار بر ایران با سوء استفاده از جایگاه آژانس انرژی اتمی، به دلیل اینکه از همان آغاز روند مذاکرات هسته‌ای نظفه بر جام بدون توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی وصرفاً با هدف کسب رضایت امریکایی‌ها و دیگر کشورهای غربی منعقد شده است، ما شاهد سوءاستفاده حاکمتری غربی‌ها از همان آغاز این فرصت شده و عملاً اعتماد زایی‌های ایران نیست به روند فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز ایران تأثیری در تغییر نگرانی غربی‌ها نداشته و حتی بعضاً آنها را جری تر کرده و باعث شده، آنها با میدان دادن بیشتر به سلطه مهبونیست‌ها بر آژانس، به زعم خود تلاش کرده اند، شکست‌های قبلی خود از مردم ایران در بستر فشار و تحریم حداکثری را از طریق ابزار آژانس جبران کنند. مستند این مدعا نیز این است که در سال ۱۳۹۷ و در ماجرای تشدید فشار حداکثری امریکا علیه ایران که با خروج ترامپ از برجام و اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی علیه مردم ایران همراه شده، به گونه‌ای که آشکارا اعلام می‌شد، ما آن قدر به مردم ایران فشار می‌آوریم که نان برای خوردن نداشته باشند تا حرف امریکایی‌ها را گوش کنند، پمپئو وزیر خارجه وقت امریکا و مجری این فشار حداکثری در جمع تعدادی از ضد انقلابیون فراری مقیم امریکا، یکی از اهداف اصلی اعمال تحریم‌ها علیه ایران را از نرمان کردن ایران دانسته و گفته بود «ما به دنبال اقدام نظامی در داخل ایران برای تغییر حکومت نیستیم… ما مورثی ما ایجاد فرصت و فراهم کردن حمایت انتقالی است. بهترین نفع برای ما این است که رهبران ایران، غیر انقلابی باشند.»

پروژه‌ای که قرار بود از طریق تعامل با بخش‌هایی از نیروهای داخلی و ایجاد تغییرات مطلوب خود در نظام محاسباتی آنها از یکسو و تقویت ابزارهای دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای، برای تأثیر گذاری بر افکار عمومی از سوی دیگر صورت می‌گیرد و جمهوری اسلامی را وارد چرخه‌ای از ایدئولوژی‌زدایی یا «مترالیزاسیون» کرده و در تیراج سیرت انقلابی تهی سازد.

این طرح بر پایه جنگ‌های ترکیبی؛ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک، اطلاعاتی و شناساتی طرح‌ریزی و عملیاتی شده بود که البته به دلیل مقاومت مردم ایران و تحولی که در عرصه مدیریت کشور با انتخاب دولت سیزدهم اتفاق افتاد به شکست انجامید و اکنون در ادامه همان مسیر و به‌رغم ادعاهای دولت جدید امریکا، همان سناریویاز طرح آژانس و با میدان داری صهیونیست‌ها دنبال می‌شود. سناریویی که رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر خود در مراسم از تحال حضرت امام (ره) در ۱۴ خردادماه اجزای آن را افشا و یاد آور شد: «جذده اول این نقشه، امید بستن دشمنان به اعتراضات مردمی برای ضربه زدن به کشور است که از طریق کار روانی و فعالیت در فضای مجازی با پول، مزدورپروپی و انواع تبلیغات در بنیال قرار دادن مردم در مقابل نظام اسلامی هستند. «معظم له جزء دوم از این توطئه را القای محاسبات غلط دربارہ و به سقوط بودن جمهوری اسلامی دانستند و افزودند: «بدخواهان، ابتدای انقلاب می‌گفتند شش ماه دیگر انقلاب سقوط خواهد کرد و بعد که محاسبه آنها سرخس از آب درآمد وعده شش ماه دیگر را می‌دادند در حالی که امروز بیش از هشتاد، شش ماه از انقلاب گذشته و آن ننهال پارک به درختی تناور و مقتدر تبدیل شده است، و محاسبات امروز آنها نیز همچون گذشته کاملاً غلط است.»

تصویب قطعنامه سرسامی امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، روند همکاری ایران با این آژانس با میدانداری صهیونیست‌ها را باید در همین راستا ارزیابی کرد. استناد این شورا به برخی گزارش‌های ضد ایرانی صهیونیست‌ها در مورد فعالیت‌های ادعایی هسته‌ای ایران از گذشته و بعد از سفر گروسی به

سرزمین‌های اشغالی، در حالی است که ایران پیش از این اطلاعات مذکور را در اختیار آژانس قرار داده و اصلاً ورود به دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با ۴+۱ معطوف به بستن این پرونده‌ها بود که متأسفانه به دلیل ناتوانی امریکایی‌ها در تصمیم‌گیری برای حل مسائل باقیمانده

بر جام و توقف روند مذاکرات هسته‌ای، امریکایی‌ها و اروپایی‌ها برای پیشبرد اهداف خود در مذاکرات دست به دامن آژانس برای تصویب این قطعنامه شده‌اند. چند نکته در این خصوص قابل ذکر است:

۱- منابع اصلی به نتیجه نرسیدن مذاکرات، تحریم‌هایی است که به اعتراف تمامی مانند مین بر سر سمیر باگ‌شت دولت امریکا به برجام کار گذاشته شده و طبعاً ایران نمی‌تواند منافع امنیتی ملی خود را با ادعاهای داخلی امریکا پیوند بزند. حسین امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه ایران پیش از این به منشأ ناتوانی غربی‌ها در پیشبرد روند مذاکرات اشاره و تأکید کرده بود: «زمانی غربی‌ها در مذاکرات هسته‌ای اذعان داشتند که به شرطی که ایران دستت از حمایت از فلسطین بردارد و اسرائیل را به رسمیت بشناسد، می‌توانند تمام مشکلاتشان با برنامه هسته‌ای ایران را نادیده بگیرند.»

۲- کشورهای اروپایی در حالی مدعی پایبندی به برجام و لزوم اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ هستند که مزورانه هیچ قدمی برای عمل به تعهدات برجامی برنداشته‌اند.

۳- متأسفانه آژانس با وجود همکاری بی‌سابقه ایران قصد ندارد از رویه سیاسی خود دست بردارد. تداوم این رویه نه تنها موجب تنزل بیشتر اعتبار این نهاد می‌شود، بلکه قطعا بر تداوم همکاری ایران با آژانس به صورت جدی اثر گذار خواهد بود.

۴- متناسب با تجزیات گذشته و متکی بر معادلات قدرت پس از این جمهوری اسلامی ایران به دلیل رویکرد غیرسازنده آژانس و تصویب قطعنامه یادشده، گام‌های عملی مقابله‌ی را اتخاذ کرده که نصب سانتر فیوژهای پیشرفته و غیر فعال سازی دوربین‌های فرادمانی از جمله آنهاست.

۵- مرد ایران ثابت کرده‌اند که مطلقاً رفتار سیاسی و غیر حقوقی و متناثر از نفوذ رژیم صهیونیستی را برنناییده و با هیاهو و جنگ روانی تسلیم نخواهند شد و این غربی‌ها هستند که باید محاسبات خود را تغییر دهند.

کشور را معطل مدیران بی انگیزه نمی‌کنیم

بیست و چهارمین سفر استانی کاروان دولت مردمی روز پنج‌شنبه در حالی به چهار محال و بختیاری رسید که تحولات سیاسی و بین‌المللی پیرامون ایران با قطعنامه ضد ایرانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شرایط پیچیده‌ای قرار گرفته است. رئیس‌جمهور اگر چه از ابتدای دولتش بارها اعلام کرده است که زلف مصالح کشور را بر جام نخواهد بیست و تمام توان و تلاش خود را مصروف نگاه به داخل و تقویت پایه‌های درونی نظام خواهد کرد، اما در همین ۱۰ ماه گذشته از عمر دولت سیزدهم، نشان داده است، در پیگیری منافع و مصالح ملت با هیچ قدرتی مماشات ندارد و هر جا منافع ملی به خطر افتاده، با خلیج فارس در واکنش به کشتنی ضدزی آنها در سواحل یونان و همچنین استقرار نسل جدید سانتر فیوژهای غنی‌سازی و جمع کردن دوربین‌های فراپادمانی در مراکز هسته‌ای در واکنش به قطعنامه شورای حکام از جمله آنهاست. رئیسی روز پنج‌شنبه به چهار محال و بختیاری رفت و با بیان اینکه کشور امروز به گستر دگی همه داشته‌هایش مورد تهدید است، در عین حال تصریح کرد:

ملت‌ما در جنگ اراده‌ها ایستاده است.

رئیس‌جمهور در جلسه شورای اداری استان، شرط بزرگ موفقیت همه اقدامات دولت را «مشکار تک مردم» عنوان و تصریح کرد؛ اگر همراهی مردم را نداشته باشیم توفیقی نیز نخواهیم داشت. صرف اینکه دولت بدون همراهی مردم، قانون تصویب کند، بخشنامه صادر شود و اعتبار تخصیص برده، مسائل حل نخواهد شد.

مدیران و کارشناسان بی انگیزه را به حاشیه برانید

رئییی خطاب به مدیران استانی خاطر نشان کرد: تجربه نشان داده انگیزه مدیران بسیار می‌تواند در حل مسائل نقش داشته باشد. به شما تأکید می‌کنم اگر احساس می‌کنید یک کارشناس یا یک مدیر بختی، آنچنان انگیزه تحولی ندارد هیچ اشکالی ندارد با حفظ همه احترامات او را در حاشیه قرار دهید. ما قسم نخوردیم کسی که کار آمدی داشته باشد به کار گیریم و کارها را معطل او کنیم که این وقت او ناراحت نشود. احترام او لازم است اما احترام مردم لازم‌تر است. احترام به او لازم است اما احترام به نظام لازم‌تر است، احترام به او لازم است اما احترام انجام خود در مردم لازم‌تر است، احترام این فرد لازم است اما احترام تعهدی که به مردم و در راس همه به‌خاوند دادیم برتر و بالاتر است و ما باید عبدالله پاسبخو باشیم.

رئیس‌با تأکید بر اینکه احترام کارکنان لازم است اما نباید در صورت نداشتن انگیزه کشور را معطل آنها کرد، اظهار داشت: اعتماد مردم به مسئولان و کار آمدی نظام اداری بسیار مهم است واین اعتماد سرمایه ملی، مشارکت اجتماعی و موجب نشاط ملی ما است. همه این‌ها در برتو همراهی مردم با احساس به کار آمدی نظام اداری و مسئولان اتفاق می‌افتد.

متوقف نخواهیم شد

رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به تحریم‌ها و سنگ‌اندازی‌هایی که دشمن در مسیر ملت ایران ایجاد کرده، گفت: دشمن تصور می‌کند که با بعضی از محدودیت‌های می‌تواند ما را متوقف کند

رئیس‌جمهور:

کشور را معطل مدیران بی انگیزه نمی‌کنیم



نشئیده بگیرید، خاطر نشان کرد: ملت ایران در سخن حق خود جدی است. تصور کردید اگر در شورای حکام علیه ایران قطعنامه صادر کنید ما از مواضع مان عقب‌نشینی خواهیم کرد؟» نام خدا و به نام ملت بزرگ ایران یک قدم هم از مواضع مان عقب‌نشینتی نخواهیم کرد.

مسالح کشور را به اخم و لیخند بیگانه

رگ نمی‌زنیم

رئیس‌جمهور گفت: در تمام دیدارها، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌ه‌ها در داخل و خارج کشور همواره تأکید کرد‌ه ام که کشور، صنعت، کشاورزی و پیشرفت‌های کشور را به اراده بیگانگان، به لیخند و آنها اگر ه نرسده و متوقف نخواهیم کرد. هرگز سفره مردم و اقتصاد را به لیخند یا اخم بیگانگان وابسته نخواهیم کرد. دکتر دولت قطع کردن بین رانت‌خواران، مفسدان آن استی که به وعده‌های انتخاباتی عمل نود و دولت صادق‌الوعدی خواهیم سود. افزود: بنای

دوران «بزن دور» گذشته است

رئیس‌ی همچنین در دیدار با جمعی از اقلار مختلف مردم، با بیان اینکه دشمن نمی‌خواهد این کشور به صنعت هسته‌ای، صنایع پیشرفته نظامی، خودروسازی و صنایع پیشرفته دیگر دست پیدا کرده و پیشرفت کند، اظهار داشت: دشمن بدانند در این جنگ اراده ملت ایران

دست را دیگر خواران را از اقتصاد کشور قطع می‌کنیم

رئیس‌جمهور ادامه داد: ما ثابت کردیم که در

«

رئیس‌ی: دشمن بدانند در این جنگ اراده‌ها ملت ایران می‌خواهد پیشرفت کنند. این جنگ اراده‌ها تاکنون بوده و بعد از این هم خواهد بود. ما در این جنگ اراده‌ها فرهنگ سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را می‌پسندیم که می‌گفت ما می‌توانیم. فرهنگ ما می‌توانیم فرهنگ سرانگ ما می‌توانیم فرهنگ پیروز است

نشانه‌های زوال قادری و بی‌بی‌سی!

سوپرمارکتی در شهر بوفالو در شمال ایالت نیویورک شد، شروع به شلیک به سوی مشتریان کرد. این حادثه، دست ۱۰ کشته و سه زخمی به جا گذاشت. ۱۰ روز قبل هم یک پسر ۱۸ ساله دیگر در حالی که مسلح بود، وارد دبستانی در تگزاس شد، ۱۹ دانش‌آموز دبستانی را گروگان گرفت و همه‌شان را به علاوه دو معلم مدرسه کشت؛ توالی این اتفاقات در امریکانستی با نامیدی از حاکمیت امریکا!بجاندی کند؟

قادری در ادامه از نگاه مردم، فضا را اینگونه توصیف می‌کند که «حاکمیت ملت بنای فرسوده‌ای هست که نه می‌تواند نان و آب آنها را تأمین کند و نه حداقل امنیتی برایشان فراهم کند و بیشتر در اختیار باندهای قدرت است که مشغول زدنبندها و اختلاس‌های خودشان هستند.»

فروریختن یک برج ۱۰ طبقه یعنی مردم ایران امنیت ندارند؟ امنیت کل ایران وابسته به امنیت یک برج است؟ روشن است که امثال حاتم قادری دنبال بهره‌برداری سیاسی از غم مردم مصیبت‌زده هستند، و گر نه امنیت به این مسائل نیست.

قادری البته ذوق نزدیکی به فروپاشی جمهوری اسلامی را هم دارد و معتقد است «وقتی جمهوری اسلامی به تاریخ پیوست، همین به عنوان نشانه‌های زوال و فروپاشی عنوان می‌شوند.»
بامزه آنکه نشانه‌های دیگری را هم می‌یابد؛ سرود سلام فر مانده و نیز سرقت از بانک ملی.

البته اشاره‌ای به جمعیت حامیان سلام فر مانده ندارد و گویی آنها را «مردم» نمی‌داند. مردم فقط کسانی هستند امریکاست. از این روست که در این نوشتار، در مقام مقایسه برای نمایش تناقض‌های ناپل، از جامعه امریکا مثال می‌زنیم. همین سه هفته پیش بود که یک پسر ۱۸ ساله امریکایی پس از آن‌که وارد

لاف صهیونیستی بااف ۲۵

سال هاست که موج‌سازی خبری رژیم صهیونیستی در باره حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران هر از گاهی به راه می‌افتد. مطالعه‌روی زمان‌بندی انتشار این نوع اخبار در خصوص تحولات برنامه هسته‌ای ایران در عرصه فنی، و خصوصاًسیاسی، نتایج جالبی را آشکار می‌کند–که البته موضوع این یادداشت نیست. در اینجا هدف نقد خبر بهسازی جنگنده اف۲۵به منظور بی‌نیاز شدن از سوختگیری هوایی برای رسیدن به ایران است. داستان جنگنده اف۲۵یحتی مجزا طلب می‌کند؛ برخرج‌ترین پروژه نظامی دنیا که البته نتایج آن آن قدر که در رسانه‌ها درخشان است، در عمل نیست و نقص‌های فنی مکرر و سقوط‌های گاه بی‌بی‌گاه و نیز هزینه‌های بالای عملیاتی گریبان آن را گرفته‌است. این هواپیما در سال‌های اخیر در امریکا و رژیم صهیونیستی و چند کشور دیگر به مرحله عملیاتی رسیده‌است. پروژه اف۲۵از ابتدا با هدف رسیدن به یک جنگنده نسل پنجم و رادار گریز و چند منظوره مشترک ک بین نیروهای هوایی و دریایی و سپاه تفنگداران دریایی امریکا و نیز برای فروش گسترده به کشورهای خارجی به منظور تکرار موفقیت‌های اف۴فانتوم و اف۱۶ در فروش خار جی تعریف شد. اما مسائل مختلفی سبب شد که این جنگنده برد پروازی کمتر از برخی جنگنده‌های نسل چهارم مانند اف۱۵ و اف۱۶ داشته باشد.

از آنجا که اتکالی رژیم صهیونیستی برای غلبه بر شبکه پدافند هوایی ایران نمی‌توانست بر جنگنده‌های نسل چهارم باشد یاد رفت اولین سری اف۲۵ به تبلیغات رسانه‌ای دشمنم برای القای این مفهوم که اف۲۵ توان غلبه بر پدافند ایران را دارد بر به راه افتاد. هر از گاهی هم اخباری زرد و بی‌مایه از پرواز مخفیانه اف۲۵ در آسمان ایران در رسانه‌های منطقه شنیده می‌شود که دیگر حتی ظرفیت لیخندسازی را هم ندارد. نکته مهم در مورد اف۲۵ که باوجود جدید بودن و برد ورخی زیرسامانه‌ها، پیشرفته‌تر بودن از جنگنده اف۲۲ که اولین جنگنده رادار گریز جهان و امریکا بود، این است که اساساً و بر اساس تعریف پروژه و اعلام خود سازنده، سطح پنهانکاری راداری اف۲۵ اف۲۲ نمی‌سد زیرا از ابتدا فروش به مشتری خارجی در اهداف پروژه اف۲۵ بود. در نتیجه در شرایطی که ایران بیش از یک دهه پیش مشکل کشف و ردگیری اف ۲۲ را با رادارهای بومی و نمونه‌های خریداری شده از خارج برطرف کرده بود، به قاعده «چون که صد آید، نود هم پیش‌ماست» برای کشف و ردگیری اف۲۵ هم مشکل خاصی ندارد.

رادارهای جدید ساخت ایران از انواع آرایه‌ای غلبه بر رادارش بسیار زیاده، رادارهای طول موج بلند (فرکانس پایین) که قابلیت آشکار سازی هواپیماهای رادار گریز را با استفاده از پدیده زرنوناس (تشدید) دارند و در گستره فرکانسی بسیار متنوعی در حال پویش (اسکن) محیط هستند و نیز رادارهای فراترنگ (OTH) که با استفاده از خاصیت انعکاس طول موج‌های خاصی توسط لایه یونیسفر جوزمین، از بالا اوماج را به سمت اهداف هوایی و زمینی می‌تاباند و آنها را کشف می‌کند از جمله اینک‌های ایران برای کشف برنده‌های رادار گریز از ابعاد کوچک تا بزرگ هست. به این موارد باید سامانه‌های شنود الکترونیکی، سامانه‌های الکترواپتیکی یا برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر و سامانه‌های دیگری را که ذکر آنها مجاز نیست افزود. رادارهای طول موج بلند فراترنگ برای در مناطق مختلفی از کشور مستقر بوده و از برد ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر را پوشش می‌دهند. ضمن اینکه اشتراک گرفتن از محدوده کشف هدف بین این رادارها، محدوده هدف را با دقت خوبی تعیین می‌کند و سپس رادارهای بر انرژی تر فقط روی آن منطقه متمرکز شده و تحت اهداف پنهان کار را ردگیری و برای اینهدم به سامانه‌های خود بردی مانند باندر ۳۷۳ که به زودی در برد ۳۰۰ کیلومتر از مایش خواهد شد، تکمیل می‌کنند.

نکته دیگر اینکه در تبلیغات اخیر ادعا شده که رژیم صهیونیستی با نصب مخازن سوخت در نیمی از دهلیز محل جنگ‌ها درون درنده اف۲۵ بردان راه ایران می‌رساند. باید گفت که در صورت صحت این ادعاییات از فضای مذکور دست‌نکشید؛ زیرا، با استفاده از تعداد جنگنده‌های الکتر واپتیکی که خود به افزایش ریسک عملیات منجر می‌شود. به علاوه با نصب سلاح هواپه زمین و مخزن سوخت اف۲۵، دیگر فضایی برای حمل موشک هواپه با بردی وسیع دفاع از خود ندارد. پس باید تعداد دیگری جنگنده با هدف دفاع از سرزمین اضافه شوند یا افزایش تعداد جنگنده‌های دیگری در مناطق دیگر برای دفاع از دسته مهاجم آماده باشند که خطر کشف عملیات را بیشتر می‌کند. در این حالت تنها کشور ثالثی همچون امریکا می‌تواند رژیم صهیونیستی را یاری کند، پس در صورت وقوع چنین تهدیدی، امریکا چه اعلام کند و چه نکند هدف مغفله به مثل ایران خواهد بود.

صرف نظر از میزان تأثیر گذاری روی تأسیسات زیرزمینی، دوردردترین سلاح اف۲۵ یعنی موشک JSM با برد ۱۸۰ تا ۵۶۰ کیلومتر بسته به ارتفاع پروازی است. در صورت رهایی از ارتفاع پایین برای کاهش احتمال کشف به دست پدافند ایران، برد این سلاح به مقدار ۱۸۰ کیلومتر کاهش یافته که اساساً امکان رسیدن به هیچ یک از تأسیسات هسته‌ای غنی‌سازی ایران در نطنز و فردو و نیز مجموعه اراک را در صورت شلیک از بیرون مرزها ندارد. در صورت نفوذ فرضی به داخل هم که جنگنده‌ها با شبکه پدافند فزنده و یکپارچه پدافند ایران مواجه و نابود می‌شوند. در صورت شلیک از ارتفاع بالا برای رسیدن به برد بالای ۵۰۰ کیلومتر با تسلیحات، این هواپیما در معرض دید انواع و اقسام رادارها و سامانه‌های کشف و شناسایی پدافند هوایی ایران قرار می‌گیرد و امکان عملیات غفلگیرنده محاسطور که در صورت سوختگیری هوایی از سوخت ران‌ها از بین می‌رفت، دیگر ممکن نخواهد بود.

جمع بندی اخبار رابع به این ادعای جدید رژیم صهیونیستی که البته برای اولین بار دو سال پیش در اخبار تخصصی به آن پرداخته بودند این است که این ادعا جنبه روانی دیگری برای تأثیر گذاری بر تحولات پرونده

هسته‌ای ایران است و کاربرد عملیاتی و میدانی برای صهیونیست‌هایی که هنوز پس از چند دهه سال به دنبال خبری از خلیبان مفقود خود، «رون اراد» می‌گردند، ندارد.

رئیس‌جمهور ونز وئلا در تهران

نیکلاس سادورو، رئیس‌جمهور ونز وئلا عصر دیروز در رأس هیئت بلند پایه سیاسی و اقتصادی وارد تهران شد.

به گزارش اس‌ان‌اس، سفر رئیس‌جمهور ونز وئلا به ایران به دعوت رسمی آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی انجام شده است و بر اساس اعلام مدیر کل روابط عمومی ریاست جمهوری این سفر دو روزه خواهد بود. استقبال رسمی در مجموعه سعسدا اباد، دیدار و گفت‌وگو با رئیس‌جمهور و برگزاری نشست مشترک ک هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور از جمله برنامه‌های سفر مادورو به تهران است.

آذر ماه سال گذشته بود که به‌رغم کارشکنی‌های گسترده امریکا، نیکولاس مادورو بر رقیب خود پیروز شد. پیروزی مادورو در انتخابات سال گذشته حاوی یک پیام مهم سیاسی به جهان بود، و آن اینکه مردم کشتی که تحت شدیدترین تحریم‌ها و محاصره اقتصادی به سر می‌برند با رأی خود نشان دادند که در برابر خواست امپریالیسم مقاومت خواهند کرد. با اینکه می‌توان پیش‌بینی کرد که با پیروزی مادورو در این انتخابات وضعیت برای مردم این کشور سخت‌تر از گذشته نیز شود اما مردم این کشور پای صندوق‌های رأی به تنها چیزی که فکر نمی‌کردند همین مسئله بود.

ونز وئلا که در مبارزت ضد امپریالیستی و ضد امریکایی، متحد ایران در امریکای جنوبی به شمار می‌رود، در شرایط کنونی با روی کار آمدن دولت جدید در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بیش از گذشته به توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با تهران در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و امنیتی بپردازد. ترکیب سیاسی و اقتصادی هیئت همراه مادورو هم این چشم‌انداز را تقویت می‌کند.